

## زشتی عیب جویی و عیب گویی

حقیقت، آن است که انسان، بیش از اینکه تاکنون رشد کرده، باید رشد کند تا به «مکانت انتقادپذیری» برسد...



حقیقت، آن است که انسان، بیش از اینکه تاکنون رشد کرده، باید رشد کند تا به «مکانت انتقادپذیری» برسد؛ مکانتی که اگر عیب ها و کاستی ها و بدی های واقعی یا احتمالی اش را خیرخواهانه و دوستانه یا دست کم، بی غرضانه به او عرضه کردند تا آنها را اصلاح کند، برنیاشود. با این مقدار از رشادت و کمال کنونی بشر، سخن از «مکانت استقبال از انتقاد سازنده» و «مکانت پذیرش عیب ها» از آن است که عیب های ما را به من هدیه کند؛ و حرف هایی از این دست، شعارهایی بیش نیستند. نباید خویشتن را فریب دهیم. کدامیک از ما می تواند ادعا کند و در ادعایش صادق باشد که از انتقاد و تذکر مؤدبانه بهترین دوست خود نمی رنجد؟ کدام مان از بن جان، این سخن امام صادق (ع) را درباره خویش می پذیریم که:

«أحبُّ اخوانی الیَّ مَنْ أهدی الیَّ عُیوبی؛ محبوب ترین دوستانم آن کس است که عیب های ما را هدیه ام کند»؛ در مقام سخن، ادعا، موعظه و نوشتن که: فرموده آن حضرت را قبول داریم و بر دیده می نهیم؛ زیادیم اما اگر «محرک تجربه آید به میان» و کسی، ناصحانه و مشفقانه و در خلوت و با مراعات همه جوانب اهدای «هدیه انتقادی»؛ به ما بگوید که بالای چشم مان ابروست، آیا آن را برمی تابیم و آشفته نمی شویم و کینه او را به دل نمی گیریم و در کمین وی نمی نشینیم تا در فرصتی، به او بفهمانیم که بالای چشمان او، نه یک ابرو، که دو ابروست؟! آری گاهی می شود کسانی از انتقاد، بهره هایی می برند و در حال و کار خود، اصلاحاتی انجام می دهند اما نه آنکه از انتقادکننده، خشنود شوند و دعایش کنند؛ بلکه کینه اش را به دل می گیرند و می گویند: «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد»؛ راستی که آدمی چه «خودشیفته» است؛ و که انسان چه خودپرست است! آه که آدمیزاده چه خام و زیان پیشه است! این سخن، همه در باب انتقاد و عیب گویی خیرخواهانه و مهربانانه است؛ اما عیب جویی و عیب گویی و انتقاد تند و دشمنانه که از آن نیز می شود بهره عاقلانه برد به کلی از بحث مان بیرون است و اصلاً جای مطرح شدن ندارد!

### اصل سخن

سخن مان در باب فرهنگ زندگی خانوادگی و مهارت های وصول به حیات فرخنده است. یکی از ابزارهایی که برخی (بسیاری!) از همسران، به ویژه زوج های جوان که تازه زندگی زن و شوهری را آغاز کرده اند و در مرحله تجربه اندوزی و افت و خیزند، برمی گزینند تا به وسیله آن یکدیگر را رشد دهند، «عیب جویی و عیب گویی» است. می خواهند با این ابزار، همسرشان را در مسیر کمال، یاری نمایند و با یافتن عیب های همسر و تذکر دادن به او، وی را از کاستی هایش آگاه کنند و عیب هایش را به او بنمایانند تا به جبران کاستی ها و زدودن عیب ها اقدام کند.

ما این ابزار و شیوه را ابزار و شیوه ای مفید نمی دانیم، بلکه آن را آفتی پر زیان برای تخریب روابط حسنه همسران می دانیم؛ آفتی که به پایه و اساس بنیان کانون خانواده، آسیب جدی می زند و گاهی آن را ویران می کند. پیش از توضیح مطلب، تجربه تلخی را در این باره بنگریم:

### خانه جهنمی!

گاهی آدمی می کوشد نکته های کوچک را بزرگ کند تا بتوان نام «عیب» بر آن نهاد. این روند، قوس صعودی می گیرد، تا جایی که به دشمنی بدل می شود و هر دو را به ستوه می آورد و کلافه می کند؛ کینه می آفریند و دعوا برمی انگیزاند و به کلی از آن قرار نیکخواهانه نخست که هدف، اصلاح و یاری و تکامل بود، بیرون می رود و هر کدام از همسران، دیگری را مسئول نقض قرارداد می داند و عاقبت کار به بدفرجامی می انجامد.

### اکنون پاسخ به آن پرسش

زوج های جوان (و همگان) وظیفه دارند که در اصلاح اخلاق و کردار یکدیگر بکوشند. امر به معروف و نهی از منکر نیز از بزرگترین و ارجمندترین واجب های دینی هستند که آیات و روایات فراوانی بر وجوب و لزوم انجام آنها تأکید می کنند آن سخن امام صادق (ع) که می فرماید:

«أحبُّ اخوانی الیَّ مَنْ أهدی الیَّ عُیوبی؛ محبوبترین برادرانم آن کسی است که عیب های ما را هدیه ام کند»؛ نیز حق است اما انجام آنها راهکارهای مناسب را می طلبد. «اندازه نگه داشتن» و مراعات اعتدال را نمودن، شرط دینداری و خردمندی است.

اسلام، یک مجموعه کامل است برخی را گرفتن و برخی دیگر را رها کردن، جفای به اسلام است و گاهی نتیجه معکوس می دهد. همان اسلام که اصلاح خود و دیگران را و نیز امر به معروف و نهی از منکر را واجب شمرده، راهکارها و چگونگی انجام آنها را نیز نمایانده است. همان اسلام، عیبجویی از مردمان را نکوهش کرده و کسانی را که مگس گونه بر پلیدی ها انگشت می نهند و پاکی ها و نیکی ها را نادیده می انگارند، مذمت نموده و «تغافل»؛ یعنی «چشم پوشی بزرگوارانه» را نیکو شمرده و به آن فرمان داده است:

«نصفُ الدین التغافل؛ چشم پوشی بزرگوارانه، نیمی از دین است.»

امر به معروف و نهی از منکر، شرایطی دارد که باید آنها را آموخت که اینجا مجال بیان آنها نیست. کسانی که مسائل و شرایط این دو فریضه بزرگ و چگونگی انجام آنها را ندانند، در اقدام به آنها به خطا می افتند و گاهی عمل شان امر به منکر و نهی از معروف می شود و نتیجه معکوس به بار می آورد.

در اصلاح خطاهای دیگران، باید عزت نفس ایشان را در نظر داشت. مراعات حریم مردمان، واجب است و شکستن این حریم، حرام.

همگان آن شیوه فرخنده مؤدبانه و لطیف تعلیمی و تربیتی و هدایتی امام حسن و امام حسین(ع) در تصحیح وضوی آن مرد کهنسال را می دانند. آن دو مرد بزرگ که به سال، کوچک بودند وقتی اشتباه آن پیرمرد را در وضو گرفتن مشاهده نمودند، از وی به خواهش و احترام، دعوت کردند که وضو گرفتن ایشان را ببیند و داوری کند که کدام شان بهتر وضو می گیرد. آنگاه نزد مرد کهنسال وضو گرفتند. پیرمرد، با مشاهده وضوی ایشان، به اشتباه خویش در وضو گرفتن آگاه شد و نظر داورانه اش این شد که: وضوی هر دوی شما درست و خوب بود و این وضوی من است که اشتباه است.

همان سان که در قلمرو تربیت، شیوه «غیرمستقیم»؛ و «غیرصریح»؛ نتیجه نیکوتر می دهد، در اصلاح عیب ها و خطاهای دیگران نیز شیوه پسندیده همین است.

اگر راست کردن کج به شکستن آن بینجامد، بهتر همان که کج بماند. بلی، با تدبیر و شکیبایی می شود و می باید کج را راست کرد اما با زور و شتاب و ناشکیبایی، هرگز.

از معصومان که بگذریم، هیچ کس بی عیب نیست. ما و همسرمان نیز بی عیب نیستیم. از این رو اگر بخواهیم در تعامل و رابطه با دیگران، مته به خشخاش بگذاریم و به عیب یابی از مردمان و عیب گویی به ایشان بپردازیم، بخش عظیمی از نیروهای مثبت مان در این راه (کجراهه!) تباہ می شود و دیگر نیرویی برای عیب یابی از خودمان و ساختن و رشد دادن روانی و اخلاقی خویشتن باقی نمی ماند و در این عرصه، از وظیفه اصلی مان که همانا خویشتن سازی است باز می مانیم؛ همان خویشتن رشیدی که در ساختن دیگران به آن سخت نیازمندیم.

گفته شده: گاندی، رهبر فقید هند، هرگاه با خبر می شد کسانی در هندوستان کارهایی ناپسند و ناروا انجام داده اند، می گفت: معلوم می شود که من هنوز خود را خوب نساخته ام که مردم کشورم کارهای ناروا می کنند. آنگاه روزه می گرفت و به اصلاح بیشتر خود می پرداخت.

شیوه «خودسازی برای دیگران سازی»؛ از بهترین و کارسازترین کارافزارهای اصلاح اخلاق و رفتار است. چرا ما برای رفع عیوب همسرمان، از این شیوه پسندیده بهره نجویم؟ ما که همواره در منظر همسرمانیم، اگر دارای اخلاقی حمیده و رفتاری مؤدبانه و سلوکی بزرگوارانه باشیم، بی تردید همسرمان از ما تأثیر می پذیرد و نیکورفتار و مؤدب و بزرگوار می شود.

در قلمرو اخلاق و تربیت، شیوه اثرگذاری و اثرپذیری الگویی، از ارجمندترین شیوه هاست. «بوی خوش گرفتن گل از گل، بر اثر همنشینی»؛ و نیز «اثر نهادن کمال همنشین بر آدمی»؛ از آموزه های ارجدار دینی و ادبی ماست.

#### فرجام سخن

حقیقت آن است که همسر ما (چه زن و چه مرد) یک فرد انسانی است؛ با تمامی ویژگی های یک انسان؛ که عیب داشتن و کامل نبودن و معصوم نبودن نیز از اجزای ساختمان شخصیت اوست. رو به کمال بودن و نیازمند مدارا و یاری بودن برای وصول به کمال انسانی از دیگر مشخصات آدمیان است. از این رو، همسران باید نخست یکدیگر را همانگونه که هستند بپذیرند، با همه کاستی ها و کمال ها، عیب ها و هنرها، بدی ها و خوبی ها، بی تفکیک اوصاف، بی یک سوپه نگری، بی بهانه گیری، بی عیب جویی و عیب گویی، بی منفی نگری و منفی بافی، آری، پذیرش یکدیگر همانگونه که هستند، آنگاه با مهارت و مشاورت و مدارا و تغافل و شکیبایی و حوصله ورزی و به تدریج، یکدیگر را در راه اعتلای جان و اخلاق و روان و بهتر ساختن خویش، یاری کنند.

زوج های جوان که مخاطبان اصلی سخنانم اند، برای ارتقای سطح سعادت زندگی خانوادگی و نیز اصلاح و هدایت و تربیت همسر و زدودن نقص های همدیگر، «گزینه عیب جویی و عیب گویی» را به کلی از قلمرو زندگانی شان حذف کنند، که بدگزینه ای است! برای وصول به هدف خجسته «زندگی بهتر»؛ مهارت های دیگر را بیاموزند و برگزینند؛ مهارت ها و آموزه های فراوان دیگر که بسیاری از آنها، در این سلسله نوشتارها بیان شده و می شود.

پی نوشت:

1. حسینی، سیدعلی اکبر، راه روشن، شبکه قرآن سیما، نقل به معنا.

پیام زن :: تیر 1388 - شماره 208